گل‌بهشت تقوا[1]

سفال کَلورَز

نگاهی نو به آثار یافت‌شده در محوطهٔ باستانی کلورز بر اساس نمونه‌های موزهٔ ملی ایران

درجریان کاوشهای باستان‌شناسان از حدود چهل سال پیش تا سالهای اخیر در نواحی شمالی ایران چندین منطقهٔ باستانی در استان گیلان کشف شده است. از جملهٔ این مناطق محوّطهٔ باستانی کلورز است. به گواهی آثار به‌دست‌آمده، قدمت زیست انسان در این مناطق به دورهٔ پارینه‌سنگی می‌رسد. از منطقهٔ کلورز گنجینه‌ای گران‌بها از ظروف و اشیای سفالین یافت شده که یادگاری از دوره‌های مختلف تاریخی از هزارهٔ دوّم قبل از میلاد تا عصر ساسانی است. بیشتر این آثار هم‌اکنون در موزهٔ ملّی ایران نگهداری می‌شود. هنر سفالگری کلورز حتی در دوران رواج فلزکاری هم رونق خود را حفظ کرده است.

ویژگی بارز سفالینه‌های کلورز خوش‌پختی و گاهی بدنهٔ بسیار نازك و ظریف، غالباً با رنگهای خاکستری تیره، سیاه برّاق، خاکستری روشن و نارنجی مایل به سرخ است. با این حال سفالگران این ناحیه بیش از تزیین به شکل و قالب خود ظرفها پرداخته‌اند. در برخی نمونه‌های این ظروف و اشیای سفالی شباهتهایی با آثار مکشوف از سایر نواحی همچون دیلمان، مارلیك، و سیلك، قابل تشخیص است. بر اساس شواهد موجود به غیر از سفالگری، هنر فلزکاری نیز در منطقهٔ باستانی کلورز مورد توجه بوده است. شماری از ابزارهای آهنی و اشیای مفرغی کشف شده گواه این مدعاست.

کلورز یکی از محوطه‌های باستانی مهم و ارزشمند در استان گیلان است که در دههٔ چهل شمسی شناسایی و بررسی شده است. در سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ هیئتی از باستان‌شناسان به سرپرستی علی حاکمی و با عضویت محمود کَردَوانی، عبدالحسین شهیدزاده، و علی اکبر کارگر سرفراز در مناطقی از گیلان از جمله در کلورز، لیلی‌جان، جوبن، و سندس به کاوش پرداختند و در طی چند فصل کـار به آثاری ارزشمنـد از ادوار مختلف (هزارهٔ دوم قبل از میلاد تا عصر ساسانی) دست یافتند که مهم‌ترینشان گنجینه‌های کلورز و جوبن است. تعدادی از اشیای مکشوف اکنون در بخش پیش از تاریخ موزهٔ ملی ایران ــ به تفکیك، در انواع ساغر فلزی، پیکره، سلاح، زین‌افزار ــ به نمایش گذاشته شده است.

روستای کلورز که بر سر راه قزوین ـ رشت و در شرق دهستان رستم‌آباد واقع شده، شامل دو آبادی کوچک به نامهای کلورز و جلالیه است که در دره‌ای سرسبز قرار گرفته‌اند و فاصله‌شان از هم به یک کیلومتر هم نمی‌رسد. پیش از احداث جادهٔ آسفالتهٔ تهران ـ رشت، راه قدیم از میان روستای کلورز می‌گذشت و همین امر شاید موجب شده بود که این روستا مرکز دادوستد دهستانهای رحمت آباد، رستم آباد، و عمارلو باشد.

جلالیه

هیئت مشترک باستان‌شناسی ایران و ژاپن نخستین بار پس از انقلاب اسلامی درشهریور۱۳۸۰ فعالیت خود را با بررسیهای باستان‌شناختی در حوزهٔ غربی سپیدرود آغاز کرد. پیشینیهٔ فعالیتهای مشترک ایران و ژاپن در زمینهٔ مطالعات میدانی باستان‌شناسی گیلان به دههٔ ۱۹۶۰ بازمی‌گردد.

درهٔ کلورز یکی از مهم‌ترین مناطقی است که در نخستین فصل پژوهشهای هیئت کارشناسان ژاپنی بررسی شد. بخشهای غربی این دره در پژوهشهای فصل دوم شناسایی و ثبت شد. در منتهی‌الیه شرق این دره (رستم‌آباد، محل تلاقی درهٔ کلورز با کرانهٔ غربی سپیدرود) مهم‌ترین محوطهٔ استقرار پیش از اسلام در این منطقه ــ تپهٔ جلالیه ــ شناسایی شد که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد.

قدمت این محوطه براساس شواهد (ابزار سنگی)

باقی‌مانده از دورهٔ پارینه سنگی قدیم، به حدود یک‌میلیون سال پیش می‌رسد. مجموعه ابزار کشف‌شده در این محوطه که از کامل‌ترین مجموعه‌های آشولی محسوب می‌شود، شامل ساتورابزار، ابزارهای دورویه، و دیگر ابزارهای شاخص سنت آشولی است. در گزارشی از کاوشها و بررسیهای انجام شده در این منطقه، از بقایای بناهای مسکونی با پی سنگی و تیرهای چوبی سخن گفته شده است.[۲]

سفالینه‌های مکشوف در گمانه‌زنی تپهٔ جلالیه در کل به سه دسته تقسیم می شود:

الف) سفالهای خوش‌پخت که رنگ بیشترشان آجری و سطحشان صیقلی است، یا در پاره‌ای موارد نقوشی بر آنها کنده شده است؛

ب) سفالهای براق و ظریف؛

ج) سفالهای نخودی ساده یا خمیر شن نرم و میکا.

در میان این سفالینه‌ها قطعه‌ای از گلوی یک ظرف لوله‌دار (به‌شکل منقار لک‌لک) هست که بی‌تردید به عصر آهن ۲ تعلق دارد و مشابه نمونه‌هایی است که در محوطه‌های قیطریه، مارلیک، و کلورز کشف شده است.

اشیای کوچک به‌دست‌آمده از تپهٔ جلالیه عمدتاً سفالی یا سنگی است. اشیای سفالی شامل دو صفحهٔ مدور و یک سردوک و پیکرک ناقص یك حیوان است. اشیای سنگی عبارت است از تبری از جنس گرانیت، دو سنگ‌ساب، چهار مُشته، و یک سنگ آسیا از جنس گرانیت. استفاده از گرانیت که معمولاً برای ساخت ابزار بسیار مرغوب مناسبت دارد، حاکی از شناخت مردمان سازندهٔ این اشیاست.

بسیاری از صاحب‌نظران و باستان‌شناسان معتقدند که یکی از عواملی که موجب می‌شد اقوام آریایی در آغاز عصر آهن ۲ بر بخش وسیعی از دنیای آن روز مسلط باشند، پرورش اسب و بهره‌گیری از تواناییهای این حیوان بوده است ــ چارپایی که با قدرت و سرعتش نقش تعیین کننده‌ای در جنگ‌ها داشته است. دقیقاً از همین دوره است که پیکر اسب بر بسیاری از ظروف سفالین نقش می‌بندد. چنین نقشهایی بر ظروف سفالین متعلق به دوران قدیم‌تر دیده نمی‌شود.

اشیای مکشوف

آثار مکشوف در کاوشهای کلورز شامل انواع سفالینه‌ها، اجسامی از جنس آهن، مفرغ، صدف، عقیق، و گردن‌بندهای گچی وغیره است. بعضی از این اشیا صرفاً نمادهای اعتقادی و بعضی دیگر تزیینی است؛ باقی آنها وسایل زندگی عادی یا ابزارهای جنگ و شکار است.

ظروف سفالین کشف‌شده در کلورز عمدتاً از نوع کوزه، کاسه، ظرف تدفین، دیس، فنجان، ظروف لوله‌ناودانی،

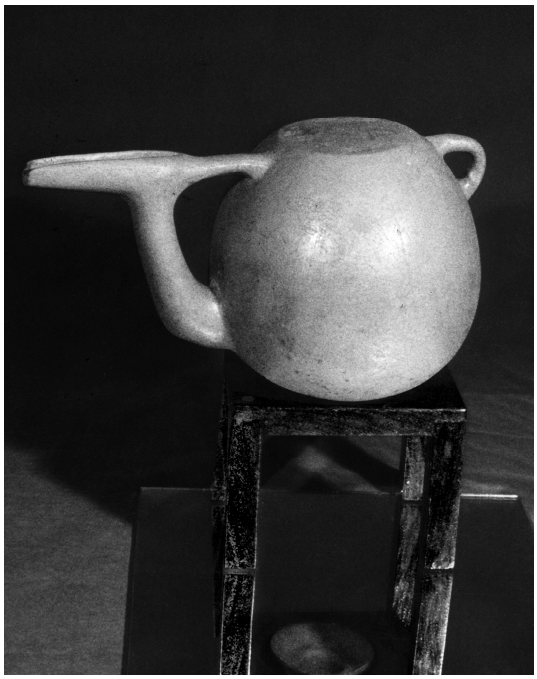

دیزی، و لیوان است. بعضی از این اشیا احتمالاً همراه مردگان دفن شده، و باقی‌شان جزو لوازم عادی زندگان بوده است.

اواخر هزارهٔ دوم و سده‌های آغازین هزارهٔ اول قبل از میلاد دوران رواج فلز و فلزکاری بوده است. و بسیاری از ظروف را با فلز می‌ساخته‌اند و چندان به سفال و ظرایف سفالینه توجه نمی‌شده است. اما حتی در این دوره نیز از اهمیت و کارکرد ظروف سفالین کاسته نشده و نمونه‌های اعلایی از هنر سفالگری ــ به شکل پیکره های حیوانات، ظروف چندقلو، و ظروف معروف به «ظروف تدفین» و غیره ــ ساخته شده است. شاید بتوان گفت که در این دوره سفالگران به جای پرداختن به تزیین ظروف سفالین با رنگ و نقش، بیشتر به شکل و قالب خود ظرفها توجه داشته‌اند. با این همه، مواردی هم هست که در آنها سفالینه‌ها با نقش‌کَنده‌هایی به شکل خطوط جناغی و شکسته یا نقطه‌چین در بخشهایی مانند گردن و محل اتصال گردن به بدنه و زیر لوله تزیین شده است.

ظروف سفالین کلورز عمدتاً به رنگهای خاکستری تیره، سیاه براق، خاکستری روشن، و نارنجی مایل به سرخ است. این سفالینه‌ها عموماً خوش‌پخت‌اند و بعضی از آنها بدنه‌ای بسیار نازک و ظریف دارند. از نمونه‌های جالب این اشیا ظروف سفالین سیاه‌رنگ براق با لولهٔ افقی است که شکل آنها احتمالاً از پرندگان دریایی و بومی منطقه الهام گرفته شده است. نمونه‌های دیگری از این نوع ظروف در دیگر محوطه‌های باستانی مربوط به اواخر هزارهٔ دوم و سده‌های آغازین هزارهٔ اول قبل از میلاد نیز کشف شده است.

از جملهٔ این نمونه‌ها ظرف سفالی سیاه‌رنگ لوله‌داری است که از منطقهٔ نصفی به دست آمده و به شمارهٔ ۹۲۲۱ درگنجینهٔ بخش پیش از تاریخ موزهٔ ملی ایران نگهداری می شود. از دیگر ظروف کلورز، کوزه‌های سفالین به رنگ نارنجی روشن با گردن عمودی و بدنهٔ پیازشکل و کف صاف و دسته‌ای است که از ابتدای لبه به بخش بالای بدنه متصل می‌شود. کوزه‌های مشابهی نیز در حفریات قلعهٔ کوتی دیلمان به دست آمده است.

بعضی از ظروف در ناحیهٔ گردن و محل اتصال گردن به بدنه و زیرِ لوله، نقوش تزیینی نقطه‌چین به صورت کمند و دایره‌های استامپی[۳] دارند. اینها بدنهٔ برآمده و دهانهٔ شیپوری، یا بدنهٔ کشیده و کف صاف، و در هر حال همگی‌شان دسته دارند. نمونه‌های دیگری از این نوع ظروف در دیگر محوطه‌های شناسایی شده نیز به دست آمده است. یك نمونهٔ زیبا و چشم‌گیر ظرف سفالی آجری‌رنگی از منطقهٔ کلورز است که ظرف تقطیر بوده است. این ظرف به شمارهٔ ۹۶۱۷ در بخش پیش از تاریخِ

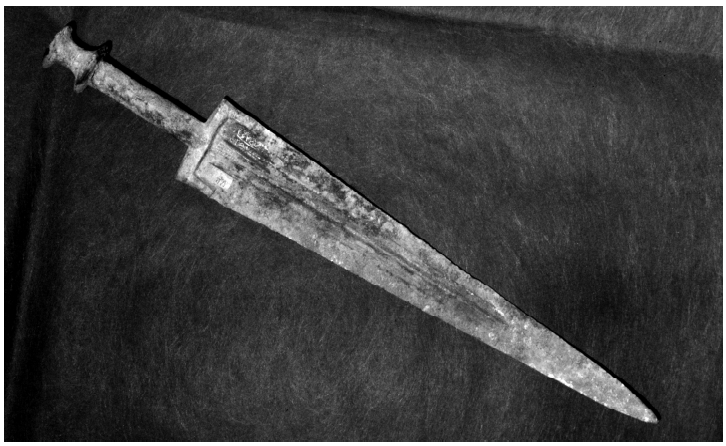

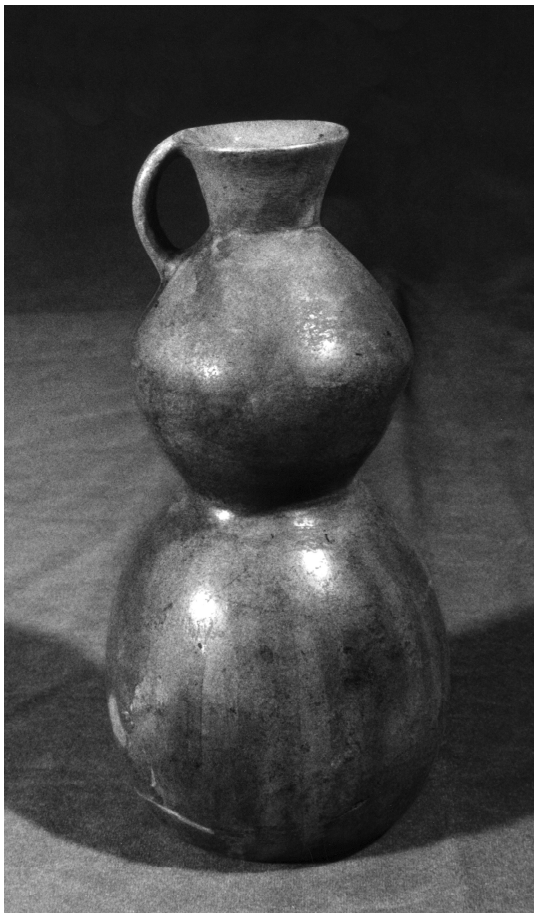

موزهٔ ملی ایران محفوظ است.

تعدادی از سفالینه‌های مکشوف در کلورز کوزه‌هایی است با دهانهٔ کوتاه شیپوری و بدنهٔ برآمده و دستهٔ بسیار کوچک. در میان ظروف سفالین دیسهای بزرگ نارنجی رنگی هم هستند که دهانه‌شان باز و کفشان صاف است و دسته‌ای افقی بر روی لبه و سوراخی در وسط دسته دارند. مشابه این ظروف در کاوشهای باستان‌شناسی روستای نوروزمحلهٔ دیلمان نیز پیدا شده است. در کاوشهای کلورز تنها یک نمونه ظرف با لولهٔ ناودانی و دستهٔ کوچک به دست آمده است. لوله به دهانهٔ ظرف متصل می‌شده و برای ریختن مایعات به کار می‌رفته است. این ظرف به لحاظ شکل شباهتهایی با بعضی از ظروف مکشوف در سیلک دارد.

یک فنجان سفالی دست‌ساز با دستهٔ حلقوی و کف صاف که بدنه‌ای زمخت دارد، از نمونه‌های منحصربه‌فرد مکشوف در این منطقه است. این نمونه به لحاظ فرم با آثار به‌دست آمده از کاوشهای سیلک شباهت دارد. مشابه این ظرف، با اندازه‌ای کوچک‌تر، از منطقهٔ نصفی به‌دست آمده است و اکنون با شماره ۹۱۹۹ درگنجینهٔ بخش پیش از تاریخ موزهٔ ملی ایران نگهداری می‌شود. در این موزه یک نمونهٔ دیگر از نوع آبخوری در اندازهٔ بزرگ‌تر هم، با بدنهٔ دوقلو و به رنگ خاکستری، با شمارهٔ ۹۶۳۰ به نمایش گذاشته شده است.

در میان اشیای فلزی مکشوف در کلورز، ابزارها و ادوات آهنی بسیار نادر است. از این منطقه تنها چهار قطعه شیء آهنی شامل دو حلقهٔ کوچک و دو سرپیکان به دست آمده است. اشیای مفرغی حاصل از کاوشهای کلورز عمدتاً خنجر، سرپیکان، پیکره، النگو، مهر، و وسایل تزیینی است. خنجرها از نظر شکل و اندازه با هم تفاوتهای اساسی دارند: برخی دارای تیغهٔ باریک و بلندند و نواری برجسته دارند که از محل اتصال تیغه به دسته تا نوک تیغه کشیده شده است؛ برخی دارای تیغهٔ پهن و کوتاه‌اند، دسته‌شان در محل

اتصال به تیغه پهن است و نواری برجسته از ابتدای دسته تا نوک تیغه‌شان کشیده شده است. این‌همه تفاوت در شکل و اندازهٔ خنجرها از تفاوت کاربرد آنها حکایت می‌کند. در این کاوشها خنجرهای مفرغی جالبی نیز با تیغهٔ بلند و نوار برجسته و خمیدگی در محل اتصال تیغه به‌دسته کشف شده است. نمونه‌ای از این خنجرها که از منطقهٔ نصفی به دست آمده به شمارهٔ ۹۲۵۳ و نمونه‌ای هم از منطقهٔ کلورز به شمارهٔ ۹۲۵۷ در گنجینهٔ بخش پیش از تاریخ موزهٔ ملی ایران نگهداری می‌شود. از نمونه‌های جالب سرپیکانهای کلورز آنهایی است که تیغه‌شان چهارگوش و باریک و نوکشان بسیار تیز است. تعدادی از این سرپیکان‌ها در حفاریهای خوروین هم پیدا شده است.

از آثار بسیار زیبای مکشوف در کاوشهای کلورز پیکره‌های مفرغی گاو کوهان‌دار (ورزو) است که در آنها طبیعت‌گرایی فوق‌العاده‌ای مشاهده می‌شود. نمونه‌ای از این نوع پیکره به شمارهٔ ۹۶۴۴ در بخش پیش از تاریخ موزهٔ ملی ایران محفوظ است.

پیکره‌های حیواناتی از قبیل گاو، بز کوهی، گوزن، و گراز که تا کنون از کاوشهای محوطه‌های باستانی گیلان به‌دست آمده در واقع ملهم از چارپایان بومی منطقه است و بنا بر این می‌توان آنها را محصول نوعی هنر بومی تلقی کرد. در بخش بالایی بعضی از این پیکره‌ها حلقه‌ای هم، احتمالاً برای آویز، تعبیه شده است. این نوع پیکره‌ها در میان اشیای باستانی منطقهٔ مارلیک هم مشاهده می‌شود: نمونه‌اش پیکره‌ای است که اکنون به شمارهٔ ۸۰۷۱ در بخش پیش از تاریخ موزهٔ ملی ایران به نمایش گذاشته است.

در کاوشهای کلورز یک مُهر استامپی[۴] هم، در داخل کوزه‌ای سفالی، کشف شده است. دستهٔ این مهر سوراخی در قسمت بالا دارد که احتمالاً برای آویختن از آن استفاده می‌کرده‌اند. سطح مهر، که قطرش ۳/۸ سانتی متر است، مزیّن به نقوش هندسی است. این مهر مشابه مهری است که از کاوشهای مارلیک به‌دست آمده، جز آنکه دستهٔ مهر مارلیک به شکل گاو کوهان‌دارطراحی شده است.

از دیگر اشیای یافت شده در کلورز تعدادی مُهرهٔ گچی با نقشهایی به رنگ آبی و سیاه و هشت مهرهٔ صدفی با نقوش دایره‌ای است که هر یك سوراخی در وسط برای رشته کردن دارد. (صدف در دریای شمال پیدا نمی‌شود و احتمالاً از نواحی جنوب ایران به این منطقه وارد می‌شده

است، و شاید این گویای ارتباطی باشد که در عهد کهن نیز میان مردمان نواحی خلیج‌فارس و دریای خزر وجود داشته است.)

نتیجه

بررسیهای باستان‌شناختی نشان می دهد که کلورز منطقه‌ای بسیار مهم بوده است. آثار به‌دست‌آمده از این منطقه که گسترهٔ قدمت آنها از دوران پارینه‌سنگی (صدهزار سال قبل) تا هزارهٔ اول قبل از میلاد را در برمی‌گیرد، گویای قرنهای متمادی استقرار فرهنگها در این حوزه است. مهم‌ترین محوطهٔ باستانی درهٔ کلورز شامل تپهٔ جلالیه است که قدمت اشیای کشف‌شده در آن به دورهٔ پارینه سنگی قدیم (آشمولین[۱]) می‌رسد. ظاهراً فرهنگ کلورز تا عصر آهن با سیر تکاملی استمرار داشته است؛ چنان‌که در هزارهٔ اول قبل از میلاد، زیباترین اشیای سفالی و فلزی در این منطقه تولید می‌شده و به مناطق هم‌جوار همچون نصفی،

(1) Ashomulian

جوبن، و خوروین هم صادر می‌شده است. نمونهٔ بارز و زیبای آثار باستانی این منطقه ظرف سفالی و لوله‌دار سرخ‌رنگی است که در امور طب و کیمیاگری به کار می‌رفته و اکنون، به اسم «ظرف تقطیر»، در موزهٔ ملی ایران محفوظ است.□

کتاب‌نامه

خلعتبری، محمدرضا. «کاوش در کلورز»، در: *یادنامهٔ گردهمایی باستان شناسی شوش*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶، ص ۸۹–۱۰۸.

خودزکو، الکساندر. ترجمهٔ دکتر سیروس سهامی، *تاریخ گیلان*، تهران، پیام، ۱۳۵۴.

موسوی، سید محمود. «باستان‌شناسی گیلان»، در: *کتاب گیلان*، تهران، گروه پژوهشگران گیلان، ۱۳۸۱، ج ۱.

نگهبان، عزت‌الله. *حفریات مارلیک*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵.

نوکنده، جبرئیل و حمید فهیمی. «پژوهشهای باستان‌شناختی هیئت مشترک ایران و ژاپن در کرانه‌های غربی سپیدرود»، در: *گزارشهای باستانشناسی ۲*، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۷–۴۳.

Hakimi, Ali. “Kaluraz et la Civilization des Marde”, *Archaeologie Vivante*, Tehran, 1968, vol.1.

پی‌نوشتها:

۱. موزه‌دار موزهٔ ملی ایران

۲. الکساندر خودزکو، *تاریخ گیلان*.

۳. نوعی نقش است که با مُهر بر روی سفال می‌انداخته‌اند.

۴. مهری که برای انداختن نقش استامپی از آن استفاده می‌کرده‌اند.